

﴿ فیرھوب الاباما جناب مستر دیلی علیہ بہاء اللہ ﴾

## مَجْہول

ای بنتہٗ صادق جمال ابھی \* مکتوب آنجناب واصل  
 و مضمون واضح کشت \* از فضل حق امید چنین است کہ  
 بتأیید شدید موفق کردی \* ولسان بحامد و نعوت رب قدیم  
 بکشائی \* ایات ہدی ترتیل نمائی \* ورایات تقی برافرازی \* ولولہ  
 در آفاق اندازی \* روح مجسم کردی \* و نور مصور شوی \* شمع  
 ساطع کردی \* و نجم بازغ شوی \* از مواہب جمال ابھی امیدوار  
 باش \* زیرا خاک را تابناک نماید \* و سنک را کوہر خوش رنگ  
 فرماید \* خرف را لؤلؤ لثلا کنند \* و سنک سیاہ را الماس  
 کرانہا فرماید \*

در خصوص آہ ( ۲۶ ) از اصحاب تاسع دانیال سؤال نمودہ  
 بودید کہ ہر چند آہ ( ۲۴ ) معنیش واضح شد \* اما آہ ( ۲۶ )  
 هنوز حقیقتش مجہول \*

ای یار مہربان \* بدان کہ در آہ ( ۲۵ ) نیز ہفت ہفتہ و شصت  
 و دو ہفتہ بیان میفرماید \* و تفصیلش این است \*  
 دو تاریخ بیان میفرمایند \* یک تاریخ بدایتش صدور امر  
 ارتاکزرس بتجدید بنای اورشلیم \* و نہایتش صعود حضرت

مسیح \* و آن هفتاد هفته است \* و تاریخ ثانی بدایتش از اتمام  
 بنای اورشلیم است تا صعود حضرت مسیح شصت و دو  
 هفته است \* زیرا تجدید بنای اورشلیم هفت هفته امتداد یافته  
 که عبارت از چهل و نه سال است \* و از تاریخ اتمام بنای بیت  
 تا صعود مسیح شصت و دو هفته \* و در هفته شصت و سیم  
 که متصل بان است و در عقب آن مطابق صعود مسیح است  
 این هفت هفته مدت بنای تجدید اورشلیم است \*  
 پس چون بدایت تاریخ را صدور امر از تا کزرس نمائی  
 هفتاد هفته میشود \* و چون بدایت تاریخ را از اتمام و انتهای بنای  
 اورشلیم گیری \* شصت و دو هفته شود \*  
 ای بنده الهی \* بر مشقات و بلائی تو مطلع \* این را  
 حکمتی است \* و بعد خود شما مطلع خواهید شد \* حال باید که  
 نهایت صبر و تحمل را مجرب دارید \* این مشقات و زحمات زائل  
 گردد \* و وقت خوش پیش آید \* و این بلاها و مصائب از قصور  
 شما نیست \* ولی از حکمتهای بالغه است \*  
 در خصوص اکتشافات روحیه بیان نموده بودید \* روح  
 انسانی قوه محیطه بر حقائق اشیاء است \* جمیع آنچه مشاهده  
 میکنی از صنایع و بدایع و آثار و کشفیات وقتی در حیرت غیب  
 بوده \* و سر مکنون \* روح انسانی کشف آن سر مکنون نموده  
 و آنرا از حیرت غیب به عالم شهود آورده \* مثلاً قوه بخاریه \*

فتوغراف \* فنکراف \* تلفراف \* مسائل ریاضیه \* جمیع اینها  
وقتی سر مکنون و رمز مصون بوده \* روح انسانی کشف این  
اسرار پنهان نموده و از غیب بشهود آورده \* پس معلوم شد  
روح انسانی قوه محیطه است \* و تصرف در حقایق اشیاء دارد  
و کشف اسرار مکنون در چیز ناسوت میکند \* اما روح الهی  
کشف حقایق الهیه و اسرار کونیه در چیز لاهوت می نماید \*  
امیدوارم که موفق بروح الهی گردی \* تا کشف اسرار  
لاهوت شوی \* و واقف بر اسرار ناسوت \*

و سؤال از ایه ( ۳۰ - در فصل ۱۴ - از کتاب یوحنا ) نموده  
بودید که حضرت مسیح فرموده ( دیگر باشما بسیار صحبت  
نخواهم نمود \* چه که مالک این دنیای آید \* و هیچ چیز در من ندارد )  
مالک دنیا جمال مبارک است \* و هیچ چیز در من ندارد \* معنیش  
اینست که بعد از من کل از من مستفیضند \* اما او مستقل است  
و از من فیض نکیرد \* یعنی مستغنی از فیض من است \*

اما سؤال از کشف ارواح بعد از خلع اجسام نموده بودید البته  
انعام عالم کشف و شهود است \* زیرا حجاب از میان برخیزد و روح  
انسانی مشاهده نفوس ما فوق و ما دون و هم رتبه را می نماید \*  
مثالش \* انسان وقتی که در عالم رحم بود \* حجاب در بصر  
داشت \* و جمیع اشیا مستور \* چون از عالم رحم تولد شد باینجهان  
و اینعالم بالنسبه بعالم رحم عالم کشف و شهود است لهذا مشاهده

جميع اشيا را بصر ظاهر مینماید \* همچنین چون از اینعالم بعالم  
 دیگر رحلت کرد \* آنچه در اینعالم مستور بوده در آن عالم  
 مکشوف گردد \* در آنعالم بنظر بصیرت جميع اشياء را ادراک  
 و مشاهده خواهد نمود \* افران و امثال و ما فوق خود و ما دون  
 خویش را مشاهده خواهد کرد

و اما تساوی ارواح در عالم اعلی مقصود اینست که ارواح  
 مؤمنین در وقت ظهور در عالم جسد متساویند و کل طیب و طاهر  
 اما در اینعالم امتیاز پیدا خواهند کرد \* بعضی مقام اعلی یابند \*  
 و بعضی حد اوسط جویند \* و یا در بدایت مراتب \* این تساوی  
 در مبدء وجود است و این امتیاز بعد از صعود \*

و در خصوص ( ساعیر ) مرقوم نموده بودید \* ساعیر \*  
 محلی است در جهت ناصره در جلیل واقع \*  
 اما در خصوص بیان ایوب \* که در آیه ۲۵ و ۲۷ در فصل ۱۹ \*  
 میفرماید ( اما من دانستم که ولی من زنده است \* و دیگری  
 بر زمین قیام خواهد نمود ) \* ولی در اینجا \* مراد خداست \*  
 و معنی ثانیش جانشین است \* مراد آنکه ناصر و معین من  
 حق است و یا بعد از من جانشین در مقام من قیام خواهد نمود  
 و من بعد از خود جانشینی دارم \* و چون از اینعالم صعود نمایم  
 مشاهده جمال الهی را بدون چشم ظاهری کنم \* و همین ایه دلیل  
 است که از اینعالم بعالمی خواهد رفت که بصر جسدی ندارد \*

یعنی جسمانی نیست \* روحانی محض است \* و در انعام بیصیرت  
روح مشاهده جمال الله نماید \*

و اما اورشلیم که به بیابان خواهد رفت (در مکاشفات یوحنا  
در اصحاح ثانی عشر مذکور) و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد  
زنی که آفتاب را در بردارد \* و ماه زیر پایها یش \* مراد از این زن  
شریعة الله است که اورشلیم آسمانی نیست \* زیرا باصطلاح کتب  
مقدسه \* اورشلیم آسمانی کنایه از شریعة الله است که در اینجا  
تعبیر زن شده است \*

و دو کوکب شمس و قمر \* یعنی دو سلطنت ترك و فرس  
در ظل شریعة الله هستند \* شمس علامة دولت فرس است \* و قمر که  
هلال باشد علامت دولت ترك \* و دوازدها کلیل دوازده امامند که  
مانند حواریین تایید دین الله نمودند و ولد مولود جمال معبود  
است \* که از شریعة الله تولد یافته \*

بعد میفرماید که آن زن فرار به بریه کرد \* یعنی شریعة الله که  
مسیحی باور شلیم آسمانی است از فلسطین بصحرای حجاز انتقال  
نمود \* و در انجا هزار و دو بیست و شصت سال اقامت کرد  
یعنی تا یوم ظهور ولد موعود \* و این معلوم است که  
در کتاب مقدس هر روز عبارت از یک  
سال است و عليك التحية والثناء

﴿ بواسطه اقا میرزا محسن زائر علیه بهاء الله الابهی ﴾

جناب میرزا عبد الحسین سلیل سید محسن

و جناب عبد الوهاب ناجی نجل سید محسن

علیہما بهاء الله الابهی

## مجلس دعا

ای دویاد کار دو نفس بزرگوار \* حضرت عبد المجید و حضرت  
سید محسن این دو نفس مبارکرا آنچه ستایش کنم حقیقت  
اینست که از عهده بر نیایم هر دورا جمال مبارک تبلیغ فرموده  
بنفحات روح القدس زنده شدند \* و در عراق چون جبل  
راسخ ثابت و رزین و رصین بودند \* یک منقبت حضرت عبد المجید را  
ذکر مینمایم \* پسرش عبد الوهاب شمع اصحاب بود و برقی ساطع  
از سحاب \* در سفر اول حضرت مقصود بعراق عرب بشرف  
لقا فائز \* پسر استدعای هدایت پدر نمود \* حضرت عبد المجید  
بمجرد تشرف بحضور رب غفور مانند شمع بر افروخت و بایمان  
فائز و چون جمال قدیم مراجعت بظهران فرمودند بمیرزا  
عبد الوهاب امر کردند که چون پسر وحیدی باید در نزد پدر  
بمانی و چنانست که همسفر بامن باشی و چون حضرت مقصود  
بظهران رجوع فرمودند ایامی نگذشت که نائره عشق در قلب